

## تفاوت‌های صعودهای امروزی با نسل‌های گذشته کوهنوردی

۲

اکسپدیشن‌های برجسته‌ای که مسیرهای هیمالیا را گشودند

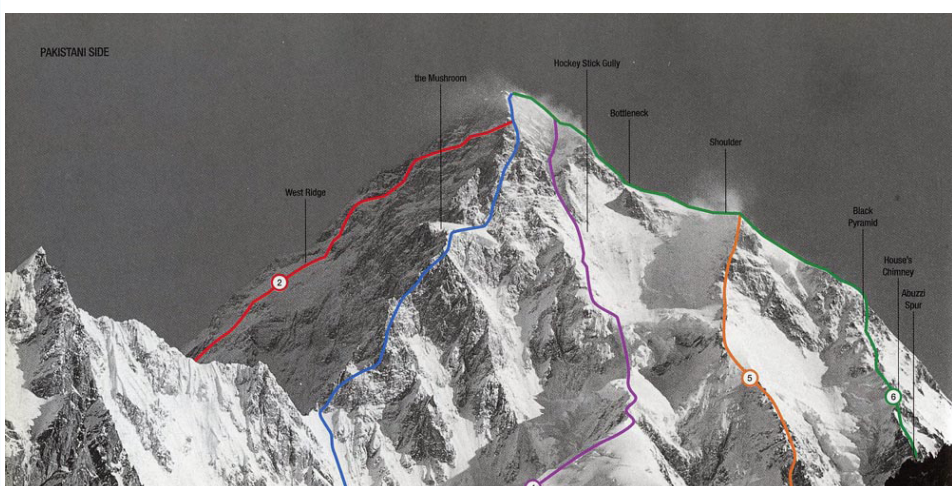
نخستین صعود به اورست؛ روایت

یک ماجراجویی تاریخی

۲

بررسی نخستین صعودهای  
زمستانی به قله‌های هیمالیا

۴



در دهه‌های بعد، اکسپدیشن‌های زیادی برای فتح دیگر قله‌های هیمالیا ترتیب داده شد. یکی از مهم‌ترین این اکسپدیشن‌ها، فتح قله K۲ در سال ۱۹۵۴ توسط تیم ایتالیایی بود. K۲ که به «قاتل کوه‌ها» معروف است، به دلیل شرایط سخت و خطرناک خود به یکی از چالش‌برانگیزترین قله‌های دنیا تبدیل شده است. موفقیت اکسپدیشن ایتالیایی‌ها در فتح این قله، نه تنها یک دستاورد فنی به شمار می‌رود، بلکه دلیلی برای انگیزه و تلاش بیشتر کوهنوردان در آینده شد. در سال‌های اخیر، اکسپدیشن‌های جدید به فتح قله‌های بلندتر و عبور از مسیرهای ناشناخته‌تر در هیمالیا ادامه پیدا کرده است. برای مثال، صعود به قله‌های نانگا پاربات، ماناسلو و آناکوناگا، همچنان به چالش‌های بزرگی تبدیل شده‌اند که کوهنوردان با تصمیمات دقیق، اراده فولادی و همکاری تیمی در تلاشند تا به قله‌های آن دست یابند. هر کدام از این اکسپدیشن‌ها، روایت‌گر داستانی از خطرات، موفقیت‌ها، و شکست‌ها هستند که همواره الهام‌بخش نسل‌های جدید کوهنوردان خواهد بود.

اکسپدیشن‌های برجسته‌ای که مسیرهای هیمالیا را گشودند، یکی از مهم‌ترین فصل‌های تاریخ کوهنوردی جهان به شمار می‌روند. هیمالیا، این کوهستان عظیم و بی‌رحم، از دیرباز الهام‌بخش کوهنوردان بسیاری بوده است که با هدف فتح قله‌های بلند آن، به دل طبیعت وحشی و چالش‌برانگیز این منطقه زدند. در میان این اکسپدیشن‌ها، برخی از آنها نه تنها به موفقیت‌های فنی دست یافتند، بلکه مسیرهای جدیدی را در دل این کوهستان سخت به روی کوهنوردان گشودند. یکی از مهم‌ترین اکسپدیشن‌ها که در تاریخ کوهنوردی هیمالیا ماندگار شد، تلاش برای صعود به قله اورست بود. در سال ۱۹۵۳، ادموند هیلاری از نیوزیلند و تنزینگ نورگی از نپال، به عنوان نخستین انسان‌ها موفق به فتح قله اورست شدند. این موفقیت نه تنها یک دستاورد فردی برای این دو کوهنورد بود، بلکه فتحی نمادین برای کل بشریت در مواجهه با چالش‌های طبیعی و انسانی محسوب می‌شد. این صعود تاریخ‌ساز به جهانیان نشان داد که با اراده، تلاش و همکاری می‌توان بر عظیم‌ترین موانع غلبه کرد.

داستان معروف‌ترین رقابت‌های کوهنوردی  
در ارتفاعات

رقابت‌های کوهنوردی در ارتفاعات همیشه مملو از چالش‌ها و مخاطراتی است که جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. این رقابت‌ها تنها یک مبارزه فیزیکی نیستند، بلکه آزمونی از استقامت ذهنی، تصمیم‌گیری صحیح در شرایط بحرانی و همکاری تیمی به شمار می‌روند. در این رقابت‌ها، کوهنوردان باید در برابر عوامل طبیعی چون بادهای شدید، سرمای کشنده و کمبود اکسیژن ایستادگی کنند. به طور مثال، رقابت‌های کوهنوردی در کوه اورست و آناکوناگا، نه تنها شاهد رقابت‌های فنی و جسمی است، بلکه نوعی رقابت برای بقا در شرایط غیرقابل پیش‌بینی نیز محسوب می‌شود. در این میان، موفقیت‌های حاصل از این رقابت‌ها اغلب به دلیل تصمیمات صحیح در لحظات بحرانی و قدرت جسمی و روحی بی‌نظیر کوهنوردان به دست می‌آید. به این ترتیب، داستان این رقابت‌ها بیشتر از یک پیروزی در مسیر کوهستان، روایتگر چالش‌های انسانی و قدرت اراده است.

## تفاوت‌های صعودهای امروزی با نسل‌های گذشته کوهنوردی

را به صورت فوری فراهم کرده است. علاوه بر تغییرات در ابزار، فلسفه و سبک صعود نیز تغییر کرده است. در گذشته، هدف اصلی رسیدن به قله بود و کوهنوردان به دنبال فتح مسیرهای دشوارتر و خطرناک‌تر می‌رفتند. اما امروز، سبک‌هایی همچون صعودهای سرعتی یا آلپاین سبک‌بار محبوبیت یافته است که به کوهنوردان اجازه می‌دهد تا با سبک‌های مختلف به طبیعت پردازند. با این حال، با وجود تمام پیشرفت‌ها، اصل کوهنوردی هنوز هم در دستاوردهای فردی و احترام به طبیعت نهفته است. هر دو نسل از کوهنوردان، چه با تجهیزات ابتدایی و چه با فناوری‌های پیشرفته، همچنان در جست‌وجوی آن لحظه خاصی هستند که در آن به قله برسند و بر قدرت طبیعت غلبه کنند.

در آن دوران، بیشتر یک سفر پرخطر و ناشناخته بود که نیازمند شجاعت، مهارت و تجربه فردی بسیار بالا بود. پیش‌بینی وضعیت جوی، دسترسی به نقشه‌های دقیق یا حتی اطلاع از خطرات بالقوه مسیرها به هیچ‌عنوان ممکن نبود و هر صعود می‌توانست با حوادث غیرمنتظره‌ای همراه باشد.

اما امروز، کوهنوردی با پیشرفت‌های فناوری، انقلابی در خود دیده است. استفاده از تجهیزات پیشرفته همچون طناب‌های سبک و مقاوم، کفش‌های تخصصی، سیستم‌های ناوبری GPS، و حتی پیش‌بینی‌های دقیق وضعیت جوی، باعث شده که کوهنوردان بتوانند به راحتی و با اعتماد به نفس بیشتری به صعود پردازند. همچنین ارتباطات رادیویی و ابزارهای ارسال سیگنال اضطراری، امکان پاسخگویی به خطرات

کوهنوردی از دیرباز به عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین و پرهیجان‌ترین ورزش‌ها شناخته شده است. در گذر زمان، این ورزش دستخوش تحولات فراوانی شده و تفاوت‌های زیادی میان صعودهای امروزی و نسل‌های گذشته مشاهده می‌شود. این تغییرات تنها محدود به تجهیزات نیست، بلکه به نوع نگرش، روش‌ها و فلسفه‌ای که پشت این ورزش قرار دارد، نیز مربوط می‌شود.

در نسل‌های گذشته، کوهنوردان با ابزارهایی ساده و ابتدایی نظیر طناب‌های کنفی، میخ‌های آهنی، کفش‌های سنگین و کوله‌پشتی‌های بزرگ به دل کوه‌ها می‌زدند.

بسیاری از مسیرها به صورت تجربی یا از طریق اطلاعات شفاهی از کوهنوردان پیشین شناسایی می‌شد. کوهنوردی

## نخستین صعود به اورست؛ روایت یک ماجراجویی تاریخی

صعود آنان نه تنها یک پیروزی شخصی، بلکه نمادی از توانایی انسان در غلبه بر موانع غیرممکن بود.

این موفقیت به جهان نشان داد که با همکاری، برنامه‌ریزی و شجاعت، حتی بزرگ‌ترین چالش‌ها نیز قابل دستیابی‌اند. ماجراجویی تاریخی نخستین صعود به اورست همچنان به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ کوهنوردی شناخته می‌شود.

این رویداد نه تنها مرزهای انسانی را در مواجهه با طبیعت گسترش داد، بلکه الهام‌بخش نسل‌های بعدی کوهنوردان و ماجراجویان شد که به دنبال فتح قله‌ها و ثبت دستاوردهای بزرگ‌تر هستند.

بود، یک قله افسانه‌ای که هر تلاش برای رسیدن به آن با شکست روبه‌رو می‌شد. در طول سال‌ها، بسیاری از کوهنوردان به این قله تلاش کرده بودند، اما شرایط سخت آب‌وهوایی، خطرات طبیعی و کمبود تجهیزات مناسب، هر بار آنان را مجبور به بازگشت می‌کرد. صعود به اورست در آن زمان نه تنها نیازمند مهارت‌های فنی بود، بلکه عزم و اراده‌ای شجاعانه را می‌طلبید که در مقابل طبیعت و سختی‌های آن ایستادگی کند.

در نهایت، هیلاری و نورگی با همکاری بی‌نظیر خود و بهره‌گیری از تجهیزات ابتدایی آن دوران، توانستند در تاریخ ۲۹ مه ۱۹۵۳ به قله اورست برسند.

نخستین صعود به اورست، قله‌ای که در آسمان جهان در بلندای ۸۸۴۸ متر ایستاده، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ کوهنوردی به شمار می‌رود.

این دستاورد تاریخی در سال ۱۹۵۳ توسط ادموند هیلاری از نیوزیلند و تنزینگ نورگی از نپال به وقوع پیوست. آن روز، اورست که تا آن زمان به عنوان نمادی از دست‌نیافتنی بودن و قدرت طبیعت شناخته می‌شد، تسخیر شد و به دنیای کوهنوردی معنای جدیدی بخشید.

قبل از این صعود، اورست برای بسیاری از مردم جهان فقط یک نام بر روی نقشه

## کوهنوردانی که در تاریخ هیمالیا جاودانه شدند

او که در سال ۱۹۹۶ در یکی از مرگبارترین حوادث اورست، جان چندین کوهنورد را نجات داد، نشان داد که روح کوهنوردی تنها در فتح قله نیست، بلکه در همدلی و ایثار نیز نهفته است.

لیست کوهنوردانی که در تاریخ هیمالیا جاودانه شدند، بی پایان است. برخی در مسیر بازگشت ناپدید شدند، برخی قله‌ها را با شیوه‌هایی نوین فتح کردند، و برخی نیز با فداکاری، جان دیگران را نجات دادند.

آن‌ها نه تنها کوه‌ها، بلکه مرزهای اراده، جسارت و انسانیت را درنوردیدند و نامشان برای همیشه در تاریخ هیمالیا باقی خواهد ماند.

رسیده بودند، همچنان بی پاسخ مانده است، اما جسد مالوری که سال‌ها بعد در ارتفاعات اورست کشف شد، نشانی از تلاش بی وقفه انسان برای تسخیر ناشناخته‌ها بود.

راینهولد مسنر، کوهنوردی که بدون استفاده از اکسیژن مصنوعی اورست را صعود کرد، نیز از جمله چهره‌های ماندگار در تاریخ هیمالیا است.

او نه تنها مرزهای توانایی انسان را جابه‌جا کرد، بلکه سبک آلپی را به عنوان روشی جسورانه و کم‌تجهیزات در صعودهای بلند معرفی کرد.

آناتولی بوکریف، دیگر نامی است که در تاریخ کوهنوردی هیمالیا حک شده است.

هیمالیا، سرزمین قله‌های سر به فلک کشیده و افسانه‌های بی پایان، شاهد صعودها و حماسه‌هایی بوده که برخی از آن‌ها به قیمت جان کوهنوردان تمام شده است.

در طول تاریخ، کوهنوردانی بوده‌اند که با شجاعت، اراده و فداکاری، نه تنها قله‌ها، بلکه قلب‌های بسیاری را فتح کردند و جاودانه شدند.

در میان این چهره‌ها، نام‌هایی چون جرج مالوری و اندرو ایروین درخشش ویژه‌ای دارند.

این دو کوهنورد بریتانیایی در سال ۱۹۲۴ برای فتح اورست تلاش کردند و در مسیر بازگشت ناپدید شدند. پرسش بزرگ اینکه آیا آن‌ها پیش از ادموند هیلاری و تنزینگ نورگی به قله

## تکنولوژی‌های اولیه و چالش‌های صعود در قرن گذشته

بلکه پایه‌گذار بسیاری از اصول کوهنوردی شدند که امروز نیز مورد استفاده است. آنان یاد گرفتند که چگونه در شرایط سخت زنده بمانند، چگونه طناب‌هایشان را به بهترین شکل به کار بگیرند و چگونه با کمترین تجهیزات، بیشترین کارایی را داشته باشند.

امروز، با وجود تجهیزات فوق‌مدرن، صعودهای قرن گذشته همچنان الهام‌بخش هستند.

تجربه‌های آن دوران یادآور این حقیقت است که تکنولوژی تنها ابزاری در خدمت اراده انسانی است و آنچه کوهنوردی را به مرزهای جدید می‌رساند، نه صرفاً تجهیزات، بلکه شجاعت، پشتکار و اشتیاقی است که انسان را به فتح ارتفاعات ترغیب می‌کند.

در نبود سیستم‌های ارتباطی پیشرفته، هر صعود نوعی قمار با مرگ بود؛ ارتباط با کمپ‌های پایین‌تر دشوار بود و کوچک‌ترین اشتباه یا طوفان ناگهانی می‌توانست تیمی را برای همیشه در دل کوه دفن کند.

در آن روزگار، پیش‌بینی وضعیت هوا تنها بر اساس تجربه محلی و مشاهده تغییرات آسمان صورت می‌گرفت، و بسیاری از تیم‌ها بدون آگاهی از شرایط جوی پیش رو، وارد مسیری پر از ناشناخته‌ها می‌شدند.

با این حال، همان ابزارهای ساده، روحی ماجراجو و جسور را در کوهنوردان پرورش داد.

آن‌ها نه تنها مسیرهای دشوار را بدون حمایت تکنولوژی مدرن طی می‌کردند،

در قرن گذشته، صعود به ارتفاعات بلند و کشف ناشناخته‌های کوهستان، سفری به قلمرویی ناشناخته و پرخطر بود. کوهنوردان آن دوره، بدون تجهیزات پیشرفته امروزی، تنها با تکیه بر اراده، تجربه، و ابزارهای ابتدایی راهی قله‌های سر به فلک کشیده می‌شدند.

در آن دوران، طناب‌های کنفی، میخ‌های آهنی، کلنگ‌های سنگین و کفش‌هایی با زیره‌های چرمی، اصلی‌ترین ابزارهای کوهنوردان بودند؛ تجهیزاتی که به سختی می‌توانستند امنیت و راحتی را در مسیرهای سخت و شرایط غیرقابل پیش‌بینی کوهستان تأمین کنند.

عدم وجود لباس‌های ضدآب و عایق، کوهنوردان را در برابر سرما و بادهای کشنده آسیب‌پذیر می‌کرد.

## بررسی نخستین صعودهای زمستانی به قله‌های هیمالیا

زمستانی به آن‌ها، آزمونی برای توانایی‌های فیزیکی و روانی کوهنوردان به شمار می‌رفت. در این مسیر، بسیاری جان خود را از دست دادند و برخی تلاش‌ها با شکست مواجه شد، اما روحیه ماجراجویی و اشتیاق به ناشناخته‌ها، کوهنوردان را به پیشروی در این مسیر دشوار ترغیب می‌کرد. امروز، با پیشرفت تجهیزات و شناخت بهتر از شرایط هیمالیا، صعودهای زمستانی همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کوهنوردی محسوب می‌شوند. هر گامی که در این مسیر برداشته شده، نه تنها مرزهای انسانی را به جلو رانده، بلکه داستانی از جسارت، ایستادگی و اشتیاق بی‌پایان برای کشف ناشناخته‌ها را روایت کرده است.

هیمالیا در نیمه دوم قرن بیستم آغاز شد. لهستانی‌ها، که به دلیل شرایط جغرافیایی کشورشان تجربه بالایی در کوهنوردی زمستانی داشتند، پیشگام این مسیر شدند. در سال ۱۹۸۰، کوه‌نوردان لهستانی، کریستوف ویلیچکی و لشک چیچی، موفق شدند در میانه زمستان به قله اورست، بلندترین نقطه جهان، صعود کنند. این موفقیت در شرایطی رقم خورد که دمای هوا به منفی ۴۰ درجه می‌رسید و بادهای سهمگین، هر لحظه امکان برهم زدن تعادل کوهنوردان را داشتند. پس از این موفقیت تاریخی، سایر قله‌های هشت‌هزارمتری نیز به تدریج هدف تیم‌های کوهنوردی قرار گرفتند. نانگپاربات، کی ۲ و کانچنجونگا از جمله قللی بودند که صعود

صعود به قله‌های هیمالیا همواره یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های تاریخ کوهنوردی بوده است، اما زمانی که بحث صعودهای زمستانی به میان می‌آید، این چالش به سطحی کاملاً متفاوت ارتقا پیدا می‌کند. سرمای استخوان‌سوز، طوفان‌های غیرقابل پیش‌بینی، اکسیژن اندک و مسیرهایی که در شرایط تابستانی نیز دشوار هستند، در زمستان به کابوسی تمام‌عیار تبدیل می‌شوند. با این حال، نخستین کوهنوردانی که در زمستان قدم به این قلمرو گذاشتند، با وجود امکانات محدود، مسیرهایی را گشودند که تا پیش از آن، دست‌نیافتنی به نظر می‌رسیدند. نخستین تلاش‌ها برای صعود زمستانی به

## کوهنوردانی که به دلیل فداکاری در تاریخ ماندگار شدند

نمونه‌های دیگر، از تلاش‌های امدادگران کوهستان گرفته تا کوهنوردانی که در آخرین لحظات زندگی خود تلاش کردند همراهانشان را نجات دهند، همگی نشان می‌دهند که کوهنوردی صرفاً درباره صعود به قله‌ها نیست، بلکه در لحظات بحرانی، ارزش‌های انسانی را نیز به آزمون می‌گذارد. در نهایت، نام بسیاری از این قهرمانان، نه فقط در کوهستان، بلکه در قلب تاریخ کوهنوردی حک شده است. فداکاری آنان یادآور این حقیقت است که در دنیای کوهنوردی، گاهی ارزشمندترین صعود، بازگشت ایمن همه اعضای تیم است، حتی به بهای از دست دادن جان خود.

می‌رسد و هر قدم، مبارزه‌ای برای بقاست، آن‌ها تا آخرین لحظه در کنار یکدیگر ماندند و در یکی از مرگبارترین زمستان‌های تاریخ کوهنوردی، از جان خود گذشتند. نمونه‌ای دیگر، آناتولی بوکریف، کوهنورد مشهور قزاقستانی است که در فاجعه اورست ۱۹۹۶، با وجود شرایط بحرانی، جان چندین کوهنورد را نجات داد. او بدون استفاده از اکسیژن کمکی، در میان کولاک و سرمای کشنده، به ارتفاعات بازگشت تا همراهان خود را پیدا کند و به کمپ برساند. این اقدام، با وجود به خطر انداختن جان خود، نشان از روحیه‌ای داشت که در دنیای کوهنوردی کمتر دیده می‌شود.

تاریخ کوهنوردی، سرشار از داستان‌هایی است که نه تنها شجاعت و استقامت را به نمایش می‌گذارند، بلکه جلوه‌هایی از فداکاری و از خودگذشتگی را نیز آشکار می‌کنند. در دنیایی که صعود به قله‌ها به عنوان نمادی از پیروزی و فتح شناخته می‌شود، برخی کوهنوردان نام خود را نه به خاطر قله‌هایی که فتح کردند، بلکه به دلیل ایثاری که نشان دادند، در تاریخ جاودانه کرده‌اند. در میان این داستان‌ها، جان اسنوری، علی سدپارا و خوان پابلو مور، کوهنوردانی که در زمستان ۲۰۲۱ در تلاش برای صعود به کی ۲ جان باختند، نمونه‌ای از تعهد و رفاقت در کوهنوردی هستند. در ارتفاعی که اکسیژن به حداقل